

نمایه

تخصص و معیشت در تبلیغ

حجت الاسلام و المسلمین علی رضا پناهیان

خدا یا من که بلد نبودم حرف بزنم. متوجه شدم رزمنده‌ها، از بس که گرد و خاک نشسته بود روی لباس‌هایشان، به جای گوش کردن به حرف‌هایم دارند لباس‌هایشان را می‌تکانند. به هر حال همان مقدار هم که می‌خواستم سخنرانی کنم با آمدن گرد و خاک داشت بسه هم خورد... به ذهنم رسید برای اینکه کمی آنها را از تکاندن لباس‌هایشان متوجه حرف‌های خودم کنم آمدن گسرد و غبار را بهانه‌ای برای ادامه حرف‌هایم قرار دهم. برای همین گفتم: عزیزان! این گرد و غبارها را لازم نیست زیاد بتکانید؛ اینها گرد و غبارهای مسافر راه کربلاست. این را که گفتم شیون و گریه‌ها شروع شد. از آنجا به بعد همه حرف‌هایی که می‌زدم با استقبال همراه با شیون آنها بود و خدا همه کلماتی را که لازم بود، بر زبان من جاری کرد

نقل خاطرات از بهترین شیوه‌های ارائه تجارب به دیگران است؛ با خاطره آغاز می‌کنید؟
دوران دفاع مقدس قبل از عملیات کربلای چهار و پنج، سخنرانی می‌کردم ولی سخنرانی‌هایم بیشتر شبیه کلاس‌داری بود و بر منبر نمی‌نشستم. آن دوران روحانی گردان حبیب بودم.
شب اربعینی یک هیئت از تهران آمده بود و کنار تمام گردان‌های دیگر آن منطقه، میهمان گردان حبیب شده بود. مسئولان گردان گفتند که شما باید منبر بروید. گفتم منبر بلد نیستم بروم و باید یک نفر منبری را دعوت کنید تا آید. خیلی اصرار کردند. من هم بعد از نماز در حال ایستاده شروع کردم سخنرانی کردن که کسی توقعش از ما بالا نرود. ناگهان گرد و خاکی به پا شد و جلسه را به هم ریخت. توی دلم گفتم که

تا بالاخره جلسه به پایان رسید. از فردا شب آن سخنرانی فهمیدم هر جا سخنرانی می‌کنم همه استقبال می‌کنند و گویا به سخنانم انس می‌گیرند.

برای تبلیغ چه میزان تخصص لازم است؟ موفقیت در امر تبلیغ بیشتر از آنکه به مهارت بستگی داشته باشد به علوم و آگاهی‌های خاصی نیازمند است که ما می‌توانیم آن علوم و آگاهی‌ها را کسب کنیم. بسه عبارت دیگر موفقیت در تبلیغ بیشتر از اینکه به صورت بیان انسان احتیاج داشته باشد به محتوای بیان ارتباط دارد و این محتوای بیان را می‌توانیم بر اثر تحصیل علوم مورد نیاز و متناسب به دست بیاوریم.

امروز و در جامعه کنونی، موفقیت در تبلیغ زیاد وابسته به مهارت‌ها نیست، اگر چه مهارت‌ها تا درصد بسیار بالایی، شاید تا حدود ۸۰ درصد، قابل اکتسابند. فقط آن کسانی که در اوج هنرنمایی می‌خواهند سخنرانی بکنند ممکن است اوج هنرنمایی‌شان به ویژگی‌های شخصی‌شان ارتباط داشته باشد و گرنه یک سخنرانی موفق، گره گشا، بصیرت‌افزا، آموزنده و مؤثر از لحاظ روحی، آموختنی است.

از طرفی محتوایی که لازم است در مقام تبلیغ از آن استفاده کنیم غیر از آن چیزی است که در مسیر عادی آموزش حوزه‌های علمیه ما با آن برخورد می‌کنیم. واقعاً باید رشته‌های تخصصی تبلیغ و به ویژه مباحث محتوایی آن را اهمیت داد. ممکن است خیلی از فضلا در حوزه

از خیلی از احکام اسلامی و مبانی خیر داشته باشند، وانگهی نتوانند یک گزاره تأثیر گذار برای یک گروه سنی ویژه بسازند که متناسب با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آنها باشد؛ چون از انسان‌شناسی گسترده و تفصیلی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مخاطب به صورت عمیق برخوردار نیستند و تجربه‌ای برای تولید بسته‌های علمی و محتوایی مناسب برای این گروه خاص ندارند و نمی‌توانند محتوای مناسب را انتخاب کنند.

پس ما باید برای موفقیت در امر تبلیغ هم به خودمان امیدوار باشیم؛ چون مبلغ با آموزش انسان می‌تواند به موفقیت‌های بسیاری دسترسی پیدا کند و هم نباید امر تبلیغ را ساده بینگانیم؛ چون امر تبلیغ نه برای فضلا امر ساده‌ای است

و نه برای کسانی که

از فضل فراوانی

برخوردار نیستند.

در مقام تهیه

محتوا ساده

است.

البته در

جهت

د ر ک

عمیق

ا ز

دین و انتقال آن به مخاطب هم باید اقدام کنیم. به نظر من یکی از عوامل مهم موفقیت برای مبلغ آن است که وی باید قبل از اینکه به فکر موفقیت خودش در تبلیغ باشد، باید به فکر سعادت مخاطبش باشد. هر مبلغ قبل از اینکه توفیق خود را در امر تبلیغ دوست داشته باشد باید علاقه مند به سعادت و رفتن مخاطبش به بهشت باشد و علاقه مند باشد که مخاطبش بتواند خود با خداوند ارتباط برقرار کند. به نظر من، وقتی مبلغ از صمیم دل این را بخواهد خدا همه چیز را برایش جور می کند و کار تبلیغش به درستی انجام می شود.

فقه و اصول اساس کار علمی حوزویان برای رسیدن به حقایق شریعت دین است. شما این دو مقوله را با تبلیغ و منبر رفتن مرتبط می دانید؟

بله! روش استنباط اصول استنباط احکام دین از متون دینی و نحوه برخورد با یک متن، همه در تبلیغ مؤثر است. شما بالای منبر وقتی طرح مسئله می کنید، اگر بخواهید از یک نگاه دینی طرح مسئله کنید، بهترین دوران تمرین شما مکاسب و درس خارج است. درس خارج ها بهترین محل هستند برای تمرین طرح مسئله از نگاه دینی که عقل و وحی رابه هم می آمیزد.

اگر کسی فقه و اصولش ضعیف باشد، وقتی بالای منبر بخواهد مسئله ای را طرح و حلایجی کند، به جای اینکه به روش های عالمانه تحلیل کند با روش های عامیانه و غیر عالمانه به سراغ مطلب می رود. باز هم عرض می کنم فقه و اصول به معنای رایج در حوزه برای تبلیغ لازم است اما کافی نیست. حتماً کسی که می خواهد مبلغ موفق بشود باید تجربه کافی از فقه و اصول رایج در حوزه داشته باشد. حالا ممکن است یک مبلغ نیاز نبیند که برای استنباط احکام تلاش علمی کند؛ چون برای

این موضوعات خیلی ها هستند که به افتا می پردازند. یکی از مراجع عظام قم به بنده می فرمودند: اکثریت معارف ما در قرآن است که بسیاری در مقام استنباط معارف از این سرچشمه غافلند و اقدام خاصی نکرده اند. ایشان می فرمودند: ای کاش من اوقاتم را گرفتار این فقه و اصول رایج به معنای خاص کنمه نمی کردم و کمی بیشتر به این دریای معانی توجه می کردم.

متأسفانه بعضی ها فکر می کنند تبلیغ از تسامح در ادله سنن آغاز می شود و تا هر نوع برداشت ذوقی و استحسانی از آیات و روایات را در برمی گیرد، در صورتی که تبلیغ نیازمند به معارف خیلی عمیق تر از این حرف ها است.

آخر سر اینکه مبلغ در طول تجربه تبلیغی اش با تعریف و تمجید دو سه نفر نباید احساس کند که به معلومات بیشتری نیاز ندارد.

مسئله معیشت از جمله دغدغه های مبلغان است. در مورد دریافت حق الزحمه برای سخنرانی یا کار تبلیغی چه نگاهی دارید؟

البته مبلغان هم باید دریافت روزی را به خدا واگذار کنند. مردم هم وظایف خودشان را می دانند، ولی بوده که من پرکارترین سفرها را به خارج از کشور رفته ام و در حالی که یک ریال هم دریافت نکرده ام، یعنی کسی چیزی نداده که ما دریافت بکنیم، من هم چیزی نگفتم. چه برسد به سفرهای داخلی و منبرهای داخلی که اتفاق می افتد و از طرفی هر کسی هم بخواهد به صورت غیر محترمانه ای هدیه یا حق الزحمه پرداخت کند، قطعاً از او دریافت نمی کنم، به عقیده من باید شأن روحانی در همه حال حفظ شود و هیچ وقت به خاطر حق الزحمه اصل تبلیغ نباید ترک شود.